

زنان سرپرست خانوار
در بستر بحران‌های
ساختاری و سیاست‌های
نابرابر فرسوده می‌شوند

از انتشارات کمیسیون زنان شورای ملی
مقاومت ایران - اردیبهشت ۱۴۰۵



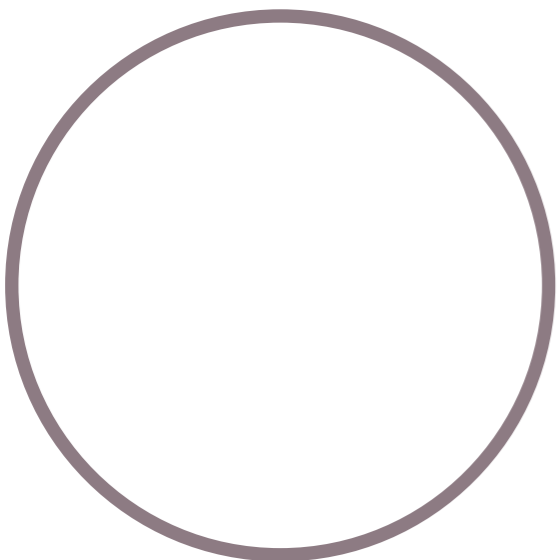
زنان سرپرست خانوار در بستر بحران‌های ساختاری و سیاست‌های
نابرابر فرسوده می‌شوند

حق طبع و انتشار محفوظ و متعلق به کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران می‌باشد.
چاپ و انتشار این گزارش و یا بخش‌هایی از آن با اجازه قبلی و یا ذکر منبع مجاز است.
از انتشارات کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران - اردیبهشت ۱۴۰۵

ISBN: 978-2-35822-054-5

فهرست مطالب

۱. برآورد آماری ۳
۲. فقر و نابرابری اقتصادی ۴
۳. اشتغال و بازار کار ۵
۴. فشار مضاعف (شیفت دوم) ۶
۵. سلامت و بیماری ۶
۶. تأثیر بحران‌ها
(جنگ و قطع اینترنت) ۷
۷. جمع بندی ۹





۱. برآورد آماری

موسوی چلک، معاون سلامت اجتماعی، با استناد به داده های سامانه رفاه ایرانیان در سال ۱۴۰۴، اعلام کرد که زنان سرپرست خانوار ۲۲.۵ درصد از کل خانوارهای کشور را تشکیل می دهند؛ رقمی که به معنای سرپرستی زنان در یک خانوار از هر ۴.۵ خانوار ایرانی است. این آمار نشان دهنده افزایش ۱۲۱ درصدی تعداد این زنان نسبت به سال ۱۳۹۵ است. (ایونا - ۱۸ بهمن ۱۴۰۴)

● بر اساس اطلاعات سامانه رفاه ایرانیان حدود ۶.۵ میلیون زن به

عنوان سرپرست خانوار ثبت شده‌اند. (جام جم - ۱۴ اسفند ۱۴۰۴)
این آمار نیز مانند همه آمارهای حکومتی، غیر شفاف و غیر معتبر است. به طور مثال، سایت خبر آنلاین در ۲۲ تیر ۱۴۰۴، فقط شمار زنان سالمند تنها را ۳.۵ میلیون اعلام کرد. در حالی که شهلا کاظمی‌پور، جمعیت شناس حکومتی، بیشترین زنانی که در تجرد قطعی زندگی می‌کنند را از متولدین دهه ۶۰ اعلام کرده است که هم اکنون زیر ۴۵ سال سن دارند. (جماران - ۱۲ مرداد ۱۴۰۴)

● پیش از این، رسانه حکومتی اقتصاد جامعه در ۱۲ آذر ۱۴۰۳، شمار زنان سرپرست خانوار را ۷ میلیون اعلام کرده بود و رسانه دنیای اقتصاد در ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ این رقم را ۶ میلیون عنوان نمود.

● از فریبکاری آماری رژیم که بگذریم، زن سرپرست خانوار در ایران یعنی ژرفنای رنج و ستم و بی پناهی که مدام عمیق تر می‌شود. به خصوص که از این دست کم ۵ میلیون نفر زنان سرپرست خانوار، تنها حدود ۲ میلیون نفر که کمتر از حدود ۲۵ درصد تحت پوشش نهادهای حمایتی حکومتی هستند. حدود ۲۸۵ هزار تحت



مردم ایران در نسل های حاضر، جهنم را در زمان خود تجربه می کنند. در میان زنان هم، قشری به نام زنان سرپرست خانوار در حال تکثیر است، چه زنان شهرنشین و چه زنان روستایی و حاشیه نشین، که محروم ترین و مظلوم ترین های جامعه ایران به حساب می آیند.

به خصوص با توجه به این حقیقت که در ایران کنونی، حتی خانواده‌های معمولی که در آن هم پدر و هم مادر شاغلند نیز در تامین مایحتاج یک خانواده متوسط عاجزند. در این خانوارها، زن علاوه بر نقش‌های سنتی و مراقبتی، مسئولیت اصلی تأمین معاش را نیز بر عهده دارد. (ایسنا - ۴ اسفند ۱۴۰۴)
پیچیدگی فقر زنان در این رژیم، حاصل درهم تنیدگی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی است.

مقدمه

زندگی مردم ایران تحت نظام دیکتاتوری مذهبی، از همه نظر سخت و مخاطره آمیز است. چه از بعد اقتصادی و فقر و بیکاری، چه تخریب محیط زیست و زیرساخت‌ها و بحران آب و برق و آلودگی هوا و سیل و زلزله های ویرانگر، چه از بعد نقض همه جانبه حقوق بشر و سرکوب و شکنجه و اعدام و چه ریختن سرمایه مملکت به تنور پروژه های اتمی و موشکی و تروریسم که عملاً به جنگ خارجی راه برد، مردم ایران در نسل های حاضر، جهنم را در زمان خود تجربه می کنند.
با این وجود به دلیل ماهیت زن ستیز ملاحای حاکم، زنان از همه این مصائب سهم مضاعف دارند. اما در میان زنان هم چه زنان شهرنشین و چه زنان روستایی و حاشیه نشین، قشری به نام زنان سرپرست خانوار در حال تکثیر است که محروم ترین و مظلوم ترین های جامعه ایران به حساب می آیند.

۲. فقر و نابرابری اقتصادی

زنان سرپرست خانوار در مقایسه با مردان در همان دهک درآمدی، فقیرتر هستند. فقر در میان زنان سرپرست خانوار ماهیتی پیچیده و چندلایه دارد که ناشی از محدودیت‌های اجتماعی، دسترسی کمتر به سرمایه اجتماعی و فرصت‌های شغلی محدود است. در زمینه دسترسی به منابع مالی، مرتباً در رسانه‌های حکومتی از وام‌های کم‌بهره مثلاً ۱۴ درصدی صحبت می‌شود، اما زنان اغلب امکان بهره‌مندی از این تسهیلات را ندارند که یکی از دلایل اصلی آن، نداشتن ضامن و شبکه ارتباطی مناسب است. (جام جم - ۱۴ اسفند ۱۴۰۴)

ایجاد صندوق تضمین شغلی زنان و اینگونه تبلیغات حکومتی نیز یا در حد اعلام باقی می‌ماند و یا تنها به تعداد معدودی پاسخ می‌گوید که به حکومت مرتبط هستند.



۳. اشتغال و بازار کار

● نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سطح جهان حدود ۴۷ تا ۵۰ درصد است، اما بازار کار ایران کاملاً چهره‌ای مردانه دارد. نرخ مشارکت مردان حدود پنج برابر زنان است. در ایران تنها یک ششم از مجموع جمعیت ۲۷ میلیون نفری فعال کشور را زنان تشکیل می‌دهند.

● یعنی تقریباً ۴.۵ میلیون زن که شامل زنان شاغل و زنان جویای کار می‌شود. (آفتاب نو - ۳۰ بهمن ۱۴۰۴)

● زنان سرپرست خانوار اغلب در مشاغل کم‌مهارت، ناپایدار و پاره وقت فعالیت می‌کنند.

● اواخر سال ۱۴۰۳، زهرا بهروز آذر، معاون امور زنان و خانواده عنوان کرد که اکثر زنان سرپرست خانوار در مشاغل خدماتی، کارگری، فروشندگی، نظافت منازل، تولیدات خانگی یا دست‌فروشی مشغول به کار بودند، مشاغلی که به شدت آسیب‌پذیرند. زنانی که اغلب نه قرارداد رسمی دارند و نه پوشش بیمه‌ای. چنین زنانی با محرومیت از حداقل امنیت شغلی و اقتصادی، هر روز به مرز فروپاشی معیشتی نزدیک‌تر می‌شوند. بسیاری از این زنان در سامانه‌های رسمی ثبت نشده‌اند و تحت پوشش هیچ نهادی نیستند. (اقتصاد ۲۴ - ۳۱ خرداد ۱۴۰۴)



مشاغل اغلب زنان سرپرست خانوار:
خدماتی، کارگری، فروشندگی، نظافت منازل، تولیدات خانگی یا دست‌فروشی

۴. فشار مضاعف

زنان شاغل به خصوص زنان سرپرست خانوار، علاوه بر کار بیرون، مسئولیت کارهای خانه را نیز بر عهده دارند. کارهایی چون مراقبت از کودکان، نظافت، تامین غذا و پخت و پز، پیگیری موضوعات درمانی افراد خانواده و ... بقیه ۲۴ ساعت روزانه این زنان را به خود اختصاص می‌دهد. بسیاری از آنها نگهداری از عضو سالمند یا از کار افتاده خانواده را نیز بر دوش دارند که بر جان فرسای زندگی آنان می‌افزاید. پشت هر چهره خسته، کودکی چشم به راه مادری است که دیگر مجالی برای مهر ندارد.

این وضعیت منجر به **فرسودگی، افزایش اضطراب و افسردگی**، کاهش رضایت از زندگی، سرد شدن روابط خانوادگی به‌ویژه با فرزندان و بیماران و نهایتاً بروز مشکلات جسمی فراوان برای این زنان می‌شود. (ایسنا - ۴ اسفند ۱۴۰۴)



۵. سلامت و بیماری

شیوع بیماری‌های مزمن در میان زنان سرپرست خانوار بیشتر از میانگین جامعه است. این موضوع نتیجه فشار فیزیکی و روانی بیش از حد است. یکی دیگر از دلایل این موضوع، اولویت ندادن این زنان به سلامت خودشان می‌باشد.

در یک نمونه، غربالگری ۲۲ هزار زن نشان داده است که شیوع برخی بیماری‌ها، به‌ویژه سرطان، در این گروه بالاتر از سایر زنان است. زنان سرپرست خانوار از طرفی به دلیل اولویت دادن به افراد تحت سرپرستی خود و از طرفی به دلیل فقر مالی یا فقر آگاهی، پیگیری‌های درمانی و غربالگری را انجام نمی‌دهند. همچنین ترس از تشخیص بیماری به دلیل نداشتن استطاعت مالی هزینه‌های درمان باعث می‌شود که آنان از پیگیری سلامت خود صرفنظر کنند.

مریم خاک رنگین، مدیر کل دفتر خانواده و بانوان معاونت سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی در این باره از وجود ۷۶۰۰ زن سرپرست خانوار با بیماری‌های خاص خبر داده است. (ایلنا - ۸ دی ۱۴۰۴)

۶. تأثیر بحران‌ها

پس از رخدادهایی مانند قطع اینترنت به دلیل قیام و بعد هم جنگ و همچنین افزایش هزینه‌ها، گزارش‌هایی از تعدیل گسترده نیروها و افزایش نااطمینانی شغلی مطرح شده است. این شرایط بیش از هر کس، زنانی که در مشاغل غیررسمی و ناپایدار فعالیت می‌کنند را هدف قرار می‌دهد که بسیاری از آنان سرپرستی خانواده‌شان را نیز به عهده دارند.

در نتیجه بحران‌های پی‌درپی که در ایران به دلیل سیاست‌های ضدمردمی و تروریستی رژیم ملایان برسر مردم ایران آوار می‌شود، این زنان سرپرست خانوار هستند که بیش از پیش قربانی تعدیل نیرو و از دست دادن شغل قرار گرفته‌اند. درآمد آن‌ها بیش از هر زمان دیگر ناپایدار شده و توان مقابله‌شان با شوک‌های اقتصادی ناشی از این بحران‌ها کاهش می‌یابد.



۶-۱. تأثیر جنگ

جنگ باعث افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار نیز شده است چرا که مردان زیادی کشته یا مفقود می‌شوند و یا مجبور به مهاجرت می‌شوند.

این وضعیت بیش از پیش منجر به افزایش جهش وار فقر، بی‌ثباتی اقتصادی و فشار روانی شدید در میان زنان سرپرست خانوار شده است. زنان سرپرست خانوار در شرایط جنگ با بحران‌های چندگانه روبرو شده‌اند. با توجه به اینکه اکثریت آنها مشاغل غیررسمی و خانگی (باقفنی، خیاطی، تولیدات غذایی) دارند، جنگ با تعطیلی بازارهای فروش، اختلال در زنجیره تأمین مواد اولیه و کاهش قدرت خرید مشتریان، ضربه‌ای مستقیم به درآمد خانواده‌های آنان وارد کرده است. بنا به گزارش یکی از سایت‌های حکومتی، مسافران یک واگن متروی تهران در پاسخ به تبلیغات دست فروشان می‌گویند پول نداریم. بنا به این گزارش، چهره زنان دست فروش خسته است. بعضی از آن‌ها بالای شصت سال سن دارد و التماس می‌کنند تا اجناسشان را بفروشند. (شفقنا - ۱۴ مهر ۱۴۰۴)

سایت حکومتی ایلنا نیز به شرح مشکلات زنان سرپرست خانوار از زبان خودشان اشاره کرده است:

- زهرا، دستفروش متروی تهران می‌گوید: «حس تنهایی من پایان ندارد، گاهی فکر می‌کنم وسط چاهی عمیق بدون طناب نجات رها شده‌ام». وی کل ۱۲ روز جنگ را در تهران ماند، بر بالین مادر پیرش که این روزها کامل از پا افتاده است؛ بدون پول در خانه ماندند. آن‌ها در آن روزها هیچ جا نرفتند چون پولی برای سفر نداشتند.
- ساناز، زنی که زندگی خود، دختر کوچک و بخشی از هزینه‌های مادرش را با فروش اینترنتی لوازم آرایش و لباس زنانه می‌گذراند، ساکن یکی از کوچه‌های خیابان استخر در تهرانپارس

است، آپارتمان ۴۵ متری که به گفته خودش شانس آوردند از پدر به ارث رسید و گر نه هیچ سقفی بالای سر نداشتند. وی می گوید: «از ۲۰ خرداد تا امروز که ۱۵ تیر است، یعنی نزدیک به یک ماه، فقط ۲ میلیون تومان کاسی کردم؛ این ۲ میلیون تومان را هم به همسایه‌ها لوازم آرایش فروختم؛ پیچ اینستاگرام خیلی روزها قطع بود، حالا هم دریغ از یک پیام یا سفارش...». «با خودم گفتم بروم گوشه‌ای بنشینم و بساط (دستفروشی) کنم اما بعد فکر کردم مردم پول ندارند، تازه در این روزها ماموران اجازه نمی‌دهند دستفروش کنار خیابان بنشینند...»

مادرش به عنوان یک مستمری بگیر از تامین اجتماعی فقط ۱۰ میلیون تومان می‌گیرد که تنها پول داروهای قلب و دیابت خودش می‌شود. حالا قطعی اینترنت و رکود بازار، زندگی این خانواده زنانه‌ی سه‌نفره را به یک دیگ جوشان از استرس و اضطراب برای فردا تبدیل کرده است.

● دستفروش دیگر مترو بازهم زهرا نام دارد که سرپرست یک خانواده چهارنفره و فاقد بیمه است. منبع درآمدش فقط دستفروشی است و در سوئیتی کوچک در اسلامشهر مستاجر است؛

او در یک ماه اخیر تنها حدود ۳ میلیون تومان درآمد داشته است، مبلغی که از نصف اجاره خانه هم کمتر است. وی می گوید: «باور کنید که در روزهای جنگ، حتی گاهی نان خالی هم گیرمان نمی‌آمد...»

● شیوا حدوداً ۳۵ ساله، دارای مدرک لیسانس ادبیات، راننده تاکسی اینترنتی است. او مدتی است که از همسرش جدا شده و با دختر دوساله‌اش در آپارتمان پدری در یک اتاق تنگ و تاریک زندگی می‌کند. شیوا می گوید: «دو سه هفته کار کاملاً خوابیده بود؛ من چند هفته هیچ درآمدی نداشتم؛ بیمه هم نیستم؛ کل درآمد من همان پولی است که روز رانندگی می‌کنم و شب به خانه می‌برم. در این مدت مجبور شدم از برادرم قرض کنم؛ همه مشکل دارند، او هم با احم و تخم ۳ میلیون به من داد، نمی‌خواهم سربار باشم، باید چه کار کنم؟» (ایلنا - ۲۰ تیر ۱۴۰۴)



۲-۶. تأثیر قطع اینترنت

در ایران شاید بیش از سایر نقاط جهان، بسیاری از زنان به دلیل نبود فرصت‌های شغلی به انواع کسب و کارهای آنلاین روی آورده‌اند. اما این امکان نیز دم به دم از دسترس خارج می‌شود. رژیم آخوندی یا مستقیماً برای سرکوب اعتراضات پی‌درپی مردمی عامدانه اینترنت را قطع می‌کند و یا مانند شرایط کنونی که سیاست‌های بمب‌سازی و صدور تروریسم موجب جنگ خارجی شده است، کسب و کار اینترنتی مردم را به تعطیلی می‌کشاند.

● قطع اینترنت موجب از بین رفتن مشاغل آنلاین و دورکاری زنان می‌شود. دسترسی به آموزش‌های آنلاین برای آنها و کودکانشان محدود می‌گردد.

● وزارت ارتباطات رقمی حدود ۳۸ هزار میلیارد تومان خسارت روزانه در زمان قطعی اینترنت اعلام کرده است. بخشی از این مسئله به محدودیت اینترنت و بخشی دیگر به وضعیت نامناسب اقتصادی بازمی‌گردد؛ چراکه کاهش قدرت خرید مردم، مستقیماً بر حجم سفارش‌ها و معاملات اثر گذاشته است. (اعتماد - ۷ بهمن ۱۴۰۴)

کارشناسان اقتصادی معتقدند ۱۲ میلیون شغل در معرض خطر قرار دارد. بیکاری گسترده، کمبود کالا و سقوط ارزش پول رسمی، شرایط را برای حکومت پیچیده‌تر کرده. (وال استریت ژورنال ۲۷ فروردین ۱۴۰۵)

● به نوشته رسانه‌های حکومتی ۶۰ روز قطع اینترنت معادل ۳۰۰ هزار میلیارد تومان (۴ میلیارد دلار) به اقتصاد ایران صدمه وارد کرده است. (خبرآنلاین ۹ اردیبهشت ۱۴۰۵)

۲. جمع بندی

شرایط کسادبازار در طول جنگ، بحرانی به نام «زنان سرپرست خانوار» و فاقد حمایت‌های قانونی و اجتماعی را برجسته کرده است. ناگهان شالوده اقتصادی که پیش از این هم نامطمئن و درگیر رکود بود به هم ریخت و ضعیف‌ها زیر دست و پای خردکننده‌ی فقر و بی‌پولی له شدند.

نادیده گرفتن آنها در برنامه‌ریزی‌های جنگی، به فاجعه‌ای بی‌صدا، اما گسترده در بطن جامعه ایران منجر شده است؛ فاجعه‌ای که پیامدهای اجتماعی و اقتصادی‌اش، حتی پس از خاموشی موشک‌ها و آتش جنگ، سال‌ها باقی خواهد ماند.

فقر در میان زنان سرپرست خانوار ناشی از ناتوانی فردی نیست، بلکه نتیجه ساختارهای اقتصادی، محدودیت‌های اجتماعی و قوانین و سیاست‌های زن‌ستیزانه رژیم آخوندی است. این زنان در کشوری با این همه ثروت چرا به حال خود رها شده‌اند؛ آیا نمی‌شود مثل بسیاری از کشورها، بودجه‌ای برای حمایت و پرداخت مستمری به زنان سرپرست خانوار به خصوص مادران تنها در نظر گرفت؟!

برخلاف تصویر رایج از «زن فقیر و درمانده»، این زنان در واقع در حال مقاومت و مدیریت شرایط دشوار هستند. همین زنان دوشادوش همه نسل جوان کشور، در صف مقدم مخالفان حکومت نیز قرار دارند و هر جا که مجال یابند با مشت گره کرده برای سرنگونی رژیم ملایان و باز شدن افق آزادی برای خود و آینده فرزندان‌شان فریاد می‌زنند. این صدایی است که جهان باید با قرار گرفتن در کنار مقاومت مردمی و کانون‌های شورشی مجاهدین، به تقویت آن برای سرنگونی این رژیم و برپایی ایرانی آزاد و دمکراتیک که «زنان سرکوب شده» امروز نقش آفرینان اصلی فردای آن هستند، همت گمارد.



© Salfi Farooq



wncri.org/fa

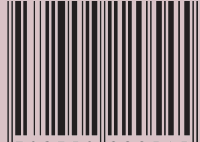


@womenncri



@womenncri

ISBN 978-2-35822-054-5



9 782358 220545 >

از انتشارات کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران

اردیبهشت ۱۴۰۵